

## تحلیل تطبیقی توسعه یافتگی مناطق شهری با تاکید بر مدل‌های ارزیابی (مطالعه موردی: شهر رشت ۱۳۸۵ - ۱۳۹۵)

محمد معتدل<sup>۱</sup>

۱- دانش آموخته کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران

### چکیده

شناخت و بررسی امکانات و قابلیت‌ها و در پی آن تعیین سطوح توسعه یافتگی نواحی از چالش‌های پیش روی برنامه ریزی شهری و نخستین گام در فرایند برنامه ریزی و توسعه به شمار می‌رود. بنابراین منابع باید به گونه‌ای تخصیص داده شود که بتوان بیشترین خدمات را از طریق منابع موجود عرضه کرد. شناخت تفاوت‌های موجود بین مناطق مختلف در سطح شهر از نظر میزان برخورداری آنها از شاخص‌های گوناگون، به منظور آگاهی از سطوح توسعه و یا محرومیت، کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای و تنظیم برنامه‌های متناسب با شرایط و امکانات هر منطقه، ضرورتی اجتناب ناپذیر است. در این پژوهش به رتبه‌بندی و تحلیل تطبیقی درجه توسعه یافتگی مناطق شهر رشت بر اساس ۳۶ شاخص در گروه‌های آموزشی، بهداشتی درمانی، فرهنگی اجتماعی، اقتصادی، تجاری و تاسیسات شهری در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۵ پرداخته شده است و جهت نیل به اهداف مطالعه از مدل‌های کمی مورس، تاکسونومی عددی و تاپسیس استفاده شده است. نتایج به دست آمده از رتبه‌بندی مناطق پنج گانه بر مبنای درجه توسعه یافتگی نشان می‌دهد که رتبه مناطق متفاوت بوده است. بر اساس یافته‌های تحقیق امکانات و خدمات بیشتر در مرکز شهر (منطقه ۲) تمرکز یافته‌اند. ضمن مقایسه مشخص گردید مطالعات انجام شده مبتنی بر اطلاعات و داده‌های سال ۱۳۸۵ که در سال ۱۳۹۵ توسط این محقق روزرسانی گردید، تنها نمونه تغییر یافته در بررسی سطوح توسعه یافتگی مناطق ۵ گانه شهری رشت، برتری منطقه ۱ در شاخص بهداشتی و درمانی در سال ۱۳۹۵ نسبت به منطقه ۲ می‌باشد. این در حالی است که منطقه ۱ در تحقیقات پیشین از حیث رتبه‌بندی شاخص بهداشتی و درمانی در رتبه دوم بعد از منطقه ۲ قرار داشته است. ولی در سایر شاخص‌ها همچنان منطقه ۲ توسعه یافته‌تر نسبت به سایر مناطق در دهه اخیر می‌باشد.

**واژه‌های کلیدی:** تحلیل تطبیقی، توسعه یافتگی، مدل مورس، مدل تاپسیس، مدل تاکسونومی، شهر رشت.

### ۱- مقدمه

به موازات توسعه و افزایش جمعیت شهرهای بزرگ، بروز و ظهور مسایل گوناگون و پیچیده اجتماعی-اقتصادی در داخل شهرها و ورود شهرهای بزرگ جهان سوم به سیستم اقتصادی جهان، برنامه ریزی شهری به ابعاد تازه‌ای دست یافته و باعث تحلیل دقیق شرایط سیاسی و اجتماعی در قلمرو جغرافیای شهری شده است. از اینرو برای شناخت توسعه یافتگی یا عدم توسعه یافتگی مناطق، به بررسی الگوی نابرابری‌های ناحیه‌ای، تفاوت‌های میان نواحی و بررسی میزان برتری یک مکان نسبت به ساختار مکان‌های مشابه در سطح شهر نیاز است [۱].

بررسی نابرابری و وجوه آن در محدوده‌های جغرافیایی مختلف در سال‌های اخیر مورد توجه برنامه ریزان و سیاستمداران قرار گرفته است. وجود نابرابری و ابعاد مختلف آن، از نشانه‌های مهم توسعه نیافتگی است زیرا در حقیقت کشورهایی که امروزه به عنوان کشورهای توسعه یافته شناخته می‌شوند ضمن این که از شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی بالایی برخوردار هستند، توزیع درآمد‌ها و امکانات نیز در آن جوامع نسبتاً عادلانه است. اما در کشورهای توسعه نیافته هم مقادیر این شاخص‌ها